

## شاه در سر سپردگی به امپریالیسم

۱۹ فوریه امسال شاه هنگام توقف خود در سن موريس پس از ملاقات و مذاکره با رئیس جمهور فرانسه به روزنامه نگار ایستگاه رادیویی اروپا اظهار داشت: آنچه ما میان دو کشور خود مشغول انجام می‌کنیم فوق العاده است. و سپس در پاسخ روزنامه نگار که آیا شما تصمیم دارید بگذرید فرانسه در کشور شما جای آمریکا را بگیرد؟ گفت: شما میدانید که در کشور من آنقدر جاهلست که هرکس بتواند از یک سهمی داشته باشد. (برنامه ۱۹ فوریه ۷۵)

صریحتاً از این نمیتوان به خیانت اعتراف کرد. پیش از این سال است که این مرد خائن وطن فروش همین سیاست را دنبال میکند سیاست تک تک کفمه میتواند از آن سهمی ببرند. هیچ دولت سوسیالیستی را نباید کاندید پشه غارتگر بگردد و در سر سپردگی برای بردن سهم از کبکی کند در سر ایران کشتی شده به زیارت شاه ایران نشتابد، سخنان تعلق آمیزی به شما نگویید یا اقدامات نواستعماری ویرانستاید. زمانه ایران غارتگر در این گوشه از جهان گنجی سراغ گرفته اند و کافی است طمعها و به ماری که بر روی آن خوابیده بخوراند و سهمی از گنج را بخارت ببرند.

کثرت زمامداری در جهان مانند شامتا این درجه وطن خود را بتاراج می‌کشان و امید میدهند. او در این سیاست وطن فروشانه فریب میان امپریالیست هانمیگذارد. هر قدر که ضرر بر قدرت نی شناسا معذک امپریالیسم آمریکا در ایران موقعیت متنازی دارد. شاه همانقدر که ۲۰ درصد از سهام کرپ بجنایتکار جنگ جهانی دوم را بخرد و او را از خطر ورشکستگی میرهاند که سید طیبون دلار در شرکت پان آمریکان سرمایه گذاری میکند. در مورد سرمایه گذاری اخیر روزنامه واشنگتن استارز نوشته: "شاه سرمایه گذاری که چینی سرمایه گذاری که اروپائی مالاً منبع توازن بود چه بود اخت های آمریکا است". شاه نیز همین را میگوید: "مالاً ما می‌پایانم را از وضع بسیار دشواری که در آن قرار ارد نجات بهمی‌بالتی اگر اینکار مورد موافقت دولت ونگرند آمریکا باشد. ما هرگز نمی‌خواهیم کاری بکنیم که در جهت خلاف اراده سیاسی آنها سیر کند". (لوینود ۱۹ فوریه ۷۵) شاه همان اندازه نفت این ثروت عظیم میبین ما را بتاراج امپریالیست های غرب و بهره کبانی های نفتی آمریکائی میدهد که گاز کشور ما را به سوسیال امپریالیسم شوروی به تن بخش میفرشد. او همانطور که ۲۲ میلیارد فرانک به فرانسه میبخشد که یک میلیارد و بیست میلیون دلار به انگلستان همانطور که یک میلیارد دلار به ایتالیا میدی میدهد که یک میلیارد دلار به بانک جهانی و... در ششمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی وقتی ایران شوروی که در تاریخ ۳ اسفند ۵۳ با حضور وزیر اقتصاد ایران در مسکو تشکیل گردید موافقت نامه ای درباره همکاریهای جدید اقتصادی با ضار سید که مبلغ آن به سه میلیارد دلار بالغ میگردد. موافق های مهمی که در کشور بعد از دست یافتند شاه اعطای وام به شوروی و سرمایه گذاری در این کشور نیز میشود. چند روز بعد وزیر اقتصاد ایران بلافاصله پس از بازگشت از مسکو به آمریکا شتافت تا در اجلاس کمیسیون مشترک وزیران ایران و آمریکا که به ظاهر کمیسیون اقتصادی است ولی مسائل دفاعی و نظامی نیز در آن حل و فصل میشود، با حضور هنری کیسینجر شرکت کند. فریب ده روز قبل از تشکیل این اجلاس جان تاسور که گویا از نتایج چشمگیر آن اطلاع داشت گفت: نتایج ملاقات قرآ الوقوع هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی ایران با هنری کیسینجر که قرار است او آخرین بیه اول اسفند در واشنگتن صورت گیرد و سعت همکاریهای جدید ایران و آمریکا را بقیه در صفحه ۲

## فرخنده باد اول ماه مه

در سرنگون ساختن رژیم استعمار زد و استبدادی شاه، در رنای جامعه ای نو، جامعه ای آزاد، آباد و شکوفان در همون گرد.

این نیروی عظیم آید های و سازمانی، این سنت و تجربه مبارزه طولانی آنچنان وزنی به طبقه کارگر ایران می‌بخشد که امپریالیسم و ارتجاع ایران را بوخت میزند از... بهبود نیست که در این حرکت امپریالیسم و ارتجاع پیوسته صفوف وی بود رهبران صنفی و سیاسی ویران روگردانست و میبندد، و در همین حال بهبود نیست که حتی رژیم ضد کارگری کنونی ایران و در بر سر آن شاه طوسی سالهای اخیر با عوامل فریبی می‌کوشد توجه طبقه کارگر را بخود جلب کند. این نیروی خلاق و ارزنده، این نیروی کفتم نعم ماد ی کتخ نشینان محصول بازوان توانای آن است، خود در شرایط بسیار سخت و دشواری بسر میبرد. طبقه کارگر ایران صد اقی کامل این سخنان لنین است:

در یک سوشلی از توانگران تن آسان که کارگاه ها، کارخانه ها، افزارهای کارواشین ها را در چنگال خویش گرفتند و ملیونیس را هکتار زمین و کوه هائی از پول را با مالکیت خصوصی خود در آورد ما دولت و ارتش را بخندمت خویش گمارده و باید اثرش را انباشته خویش ساخته اند.

در سر می‌بگریم و نهانان از محرومان که باید از توانگران التماس کار داشته باشند؛ با کار خودشان سازند. همه ثروت ها هستند ولی در سر اسرار صحرای طغیانان رنج میبرند و چنان در جستجوی کارند که گویی در تنهای صد فغاند؛ نیروی تنده رستی خود را در زحمات طاقت فرسا از دست میدهند و در پیغوله های د هات و د خمه ها و خرابه های شهرهای بزرگ گرسنگی میکنند.

رژیم ضد کارگری شاه هیچگونه حقی نه صنفی تناجتماعی و نه سیاسی برای طبقه کارگر ایران نی شناسد، اعتصاب کارگران را برای بهبود زندگی و کارگوشن سرکوب میکند، با گلوله پاسخ میدهد و در همین حال برای فریبش آن از هیچ نیرنگی روگردا نیست.

مبارزه طبقه کارگر ایران و از آنجمله بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگر ایران دارای آنچنان شخصیت و آنچنان قدرت و نیروی است که حتی دشمنان سوگند خورده آن نیز نمیتوانند توجه خود را بدان معطوف ندارند و در صد جلب آن بر نیایند.

شخصیت و نیروی طبقه کارگر ایران در کجا است؟ نیروی طبقه کارگر نخست در وابستگی آن به شرقی ترین و انقلابی ترین شکل اقتصاد است، آن شکلی که از طبقه کارگر انقلابی ترین و در مبارزه قاطع ترین طبقه جامعه معاصر را میسازد. طبقه کارگر ایران در جریان تکامل جامعه همواره کسب و کیفیت خود را ارتقا می‌بخشد، آینده از آن او است و تکامل جامعه در جهت آرمانهای والای او.

نیروی طبقه کارگر ایران سپس در مبارزات او است. طبقه کارگر ایران نزدیک به هفتاد سال مبارزه طبقاتی در پشت سر دارد. در دوران انقلاب شروطیت ایران اگر چه طبقه توار و نخواستهای بود و هنوز از لحاظ کسب و کیفیت مقام شامی نداشت، معذک در این انقلاب سهم خود را از کرد؛ در ها سال است که مبارزه طبقاتی را در تمام اشکال اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک ادامه میدهد. سازمانهای صنفی طبقه کارگر ایران دارای سنت تشکیلاتی و سنت مبارزه طولانی است؛ اتحادیه های کارگری ایران طی رزم تلاشهایی که برای ایجاد اتحادیه های زود بعمل آمد، علی رزم کوشش هائی که برای تشتت و تفرقه در صفوف آن صورت گرفت، همچنان یکپارچه وفادار به حزب سیاسی خود باقی ماند، حزبی که بیش از پنجاه سال است با هیچ وجود گداشته است. طبقه کارگر ایران در سر اسرار دوران حیا خود همواره در شرایط تریور و اختناق بسر برده و اشکال مختلف مبارزه را از سر گذرانیده است و در نتیجه دارای آگاهی سیاسی و تجربه مبارزه غنی است، آنچنان آگاهی و تجربه ای که هیچ یک از طبقات و قشرهای دیگر از آن برخوردار نیست.

نیروی طبقه کارگر ایران بالاخره در اینست که فقط این طبقه میتواند همه زحمتکشان را بگرد خویش گرد آورد، آنها را

## «حزب قهلم خلق»!

سابق در سر میدهند که امروز در فرهنگ احزاب و موکرات جهان پیشگوا ما و او بود کترین جدیدی می‌نویسند که است. این مرد مان پست چه کنند؛ اگر به پستی گردن نهند که در مقامات بالانسی نشینند.

با این احوال بر این تقلید نیز مهر شاهنشاهی خود راست حزب شاهنشاهی این خصوصیت را دارد که با آنکه هنوز تشکیل نشده، ظرف چند روز ملیونیس خواهد ارد؛ یکپارده یکروزنامه های مزدور کشور تمام صفحات خود را به اعلاناتی متحد الشکل در باره پیوستن به حزب اختصاص دادند تا این شیوه برای مرد کسور ما نا آشنا نیست.

عضویت اجباری افراد در حزب قلابی "سه ساخته"، پذیرفتن اصول سه گانه نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت را الزامی میگرداند. مردم در سر اسرار کسور مجبورند این سه اصل را بپذیرند و مجبورند به عضویت حزب قلابی در آیند. مردم ایران باید "نظام شاهنشاهی" را بپذیرند که مانند لکه تنگی هنوز بر امان کشور باقی است و باید هر چه زود تر آنرا زود؛ باید به قانون اساسی وفادار باشند که بری است دوران آن سرآمد میباید به موزه تاریخ ایران سپرده شود؛ باید بر انقلاب شاه و ملت صحفک اردند که رفغان آن سلطه بی سابقه امپریالیسم بر کشور ما، بتاراج دادن ثروت های عظیم میبین ما، فقر وسیع روزی و اسارت خلق های ما و ناسامانی و فساد و هرج و مرج جامعه ما است. شاه از مردم پذیرش چیزی را می طلبد که سالها است آنرا بانفرت و انزجار رد و رافکند فاند. اما توقع شاه اینست که همه هر شخصی که بسن قانونی رای دادن رسیده باشد، از همین حالا تا فردا در اولین فرصت تکلیف ملی خود را روشن بکند و به این تشکیلات وارد شود. کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد و مؤمن به این سه اصلی که من کفتم نباشد در راه برایش وجود دارد؛ با یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیر قانونی. یعنی باز با اصطلاح خود مان موافقت اثبات بیوطن و او جایش در زندان است. بقیه در صفحه ۲

شاه و دلک در بازی و هود همیشه بر آن بودند که خلفه شاهنشاهی و انقلابات شاهنشاهی اصالت ایرانی دارند و از خارج تقلید نشد فاند. اکنون کفشا می‌کند و در حوزی پایا ن داد موکدی یک حزب واحد را پیش کشید و زبان هود ا باز میشود: "سیستم چند حزبی از خارج تقلید شده بود". راست هم میگوید. شاه ایران در امور کشور در تمام زمینه ها دارای دیگران را در ماورد و این انلاهد رانطباق با نظام شاهنشاهی به مضحک ترین وجه در ماورد تا به آن ویژگی "شاهنشاهی" میبخشد.

خصوصیت و حوزی در کشور های دیگر اینست که واقعا دو حزب طی ده ها سال بر اساس سنت های دیرین دموکراسی به روز وائی جا افتاده اند. از آن دو یکی حزب اکثریت است و دیگری حزب اقلیت. بانوسل به مانورها و خدعه های انتخاباتی که به روز وائی در آن استاد است گاه گاه اقلیت اکثریت میشود و زمان امور کشور در دست میگیرد. چنین است سیستم و حوزی در آمریکا و انگلستان. در ایران سیستم و حوزی از خارج بهاریت گرفته شده بود اما ویژگی آن در این بود که شاه بعد فای دستور او بود که حزب بسازند و اکثریت شوند و به عدای دیگر ۳ نفر فرموده بود که اقلیت را بازی کنند. قریب بیست سال این کدی در کشور ما در امیافت، اما ظاهر ا اقلیت نتوانسته رضایت خاطر ملوکانه را فراهم آورد و نقش خود را آنچنان کفشا می‌خواهد بازی کند؛ تصویر هم ندارد چون شاه خود بر آنست که این ریل قابل بازی کردن نیست.

اکنون بنا بر هوی و هوس شاه این کدی باید سر آید و کدی دیگری بر روی صحنه آید اینست که اینبار به تقلید از نرال مو و سوز احزاب همه منحل میشوند و سیستم یک حزبی در سر اسرار کشور برقرار میگردد. مو و سوز از انحلال احزاب قدهی "جنبش توده های انقلاب" را تا "سیس کرد" که تمام اهالی کشور زیر بطور اتوماتیک عضو آند. تمام کسانی که با جناب مو و سوز سازگار نیستند اردند و نخواهند با او و جنبش او بیعت کنند. به خارج از کشور تبعید میشوند. تقلید "حزب رستاخیز ملی ایران" از جنبش توده های انقلاب مو و توگاملا روشن است، معذک مزدوران رژیم با زهم همان نغمه

## موفق باد پیکار بخاطر احیا حزب طبقه کارگر ایران!

شاه در... بقمه از صفحه ۱ شخص خواهد کرد... شوره  
این ملاقات موافقت نامهای مبلغ پانزده میلیارد دلار است... هم  
کاری ایران با هیچ کشور دیگری برای چنین وسعتی نبود است و  
خود نشان نزدیکی روابط دوستانه ایران با امپریالیسم آمریکا  
است. طرفین هیچکدام این دوستی نزدیک را پنهان نمیدارند.  
در زمینه سیاسی نیز واقعتاً جز این نیست. شاه صریحاً  
از آن میکند که در صورت تحریم نفت در آن شرکت نخواهد جست  
"مرکز کاری نخواهد کرد که در جهت خلاف اراده سیاسی آنها  
( دولت و کنگره آمریکا ) باشد شاه هوادار حضور نظامی آمریکا در  
ایران نیست و خواهر میانه است. به نمایندگی از جانب امپریالیسم  
آمریکا وظیفه ژاندارمی منطقه را بر عهده گرفته است. او حتی هم  
کاری خود را با "سیا" می پوشاند و به خبرنگار تلویزیونی سی. بی. سی.  
اس آمریکا میگوید "روابط ما با کشور شما با "سیا" فقط مبتنی بر همکاری  
است و این همکاری بیشتر ( و نه منحصر - توفان ) در زمینه مبارزه  
اطلاعات است. "ماجیژهائی را که میشوند ممکن است جالب  
باشد احتمالاً به "سیا" میدهم." ( خواننده نیمیهای شماره ۲۴ بهمن  
۵۳ )

در این صورت که سبب جرحه در امضای دارد که شایسته است  
کند. شاه خود این امر را بر روشنی تکذیب میکند. همین خبرنگار  
تلویزیونی از شاه می پرسد: "لطیف حضرت واقعا فکر نمیفرمائید که هنری کتی  
سینجر خواسته باشد شاهنشاه ایران را تهدید کند؟ پاسخ:  
"ما و ستان خوبی هستیم... فکر نمیکنم کمبود کنگره کسینجر یک  
دیگر را تهدید کند." خود کسینجر بر آنست که شاه ایران دوست  
مطمئن است که میتوان با اعتماد داشت ( از توت لاکوالتی تصور  
سن مورس ۱۱/۲۴ ) وزیر خارجه آمریکا در ملاقات اخیر خود با شاه در  
تهنیت گفت و افزود که شاه بر سر این نکته توافق دارد که این  
روابط هرگز به این خوبی نبود است. روزنامه واشنگتن استار  
بر آنست که "ایران از دستان سیاسی واشنگتن بود هر یکی از امید -  
هائی است که میتواند باعث بوجود آمدن ثبات در منطقه بحرانی  
نفت خیز خاور میانه باشد." ( لو موند ۲۰ فوریه ۱۹۷۵ ) و این  
رشته سر دراز دارد.

چنین است ادعای امپریالیسم آمریکا... شاه...  
در داخل سیاست شاه از لحاظ سیاسی برانداختن هرگونه  
آزادیهای موقت را یک ضرورت می داند و هر چه در این زمینه  
کند بر این نظر است که رژیم امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم در ایران اینستا  
دیگر بخیر می دهند و از لحاظ اقتصادی و اگر سیاست اقتصادی آنها  
وجود داشته باشد سیاست شاه سپردن شریانهای حیاتی اقتصاد  
ایران بدست امپریالیسم است. در نظر نگرید که بنا بر اطلاعات  
مورخ ۱۲ آوریل ۵۳ هشتاد درصد درآمد دولت در سال ۱۳۵۴ از  
نفت تا بین میشود و سرمایه های امپریالیستی بر اقتصاد ماحکومیت  
دارند بخش بسیار مهمی از اقتصاد کشور را در نظر دارند امپریالیسم  
است. مستشاران آمریکائی نیروهای نظامی ایران را کنترل  
میکند. کارشناسان آمریکائی و هندستان اسرائیلی آنها سازمان  
امنیت را میگردانند. آموزش نیروی در کشور مارنگ آمریکائی  
بخود گرفته است حتی زبان ما از نیروی زبان انگلیسی مصون نماند  
است. زبان انگلیسی در مواردی جایگزین زبان پارسی میشود.  
روزنامه اطلاعات با تلخی اعتراف میکند که تمام سخنرانیهای  
دومین جلسه بزرگداشت مولوی به انگلیسی ایراد شد حال آنکه  
علاوه بر سخنرانان اکثریت قریب باتفاق حاضران در جلسه فارسی  
زبان بودند و از همه محترم موضوع بحث تجلیل از بزرگترین شاعر  
متصرف ایران بود ( ۴ دی ۵۳ )؛ برای استخدام در موسسات  
مختلف دانستن زبان انگلیسی الزامی است... اینها  
است جلوه هائی از سیاست داخلی شاه.

همین شاه که فکر کردش بیست و گوشت تمام غزاست خوانش  
بیگانه پرست و با خلق ایران بیگانه است باد در گویی اندازد  
امپریالیسم آمریکا را تهدید میکند که قیمت نفت را پایین نخواهد  
آورد و حاضر است نان و نمیر بخورد و قیمت نفت را پایین بیاورد مثل  
اینکه میزان افزایش قیمت نفت با اراده او صورت گرفته است که  
اکنون بتواند آنرا تنزل دهد. شاه در مصاحبه خود با یکی از خبرنگار  
نگاران خارجی در مورد افزایش قیمت نفت چنین توضیح میدهد:  
" در موقعی که در ماه دسامبر ۱۹۷۳ خواستار قیمتی معادل ۷۷ دلار  
برای هر بشکه نفت شدیم و شرکت های نفتی با سایر کشورهای خلیج فارس به  
مذاکره درباره مشارکت بطریق ۴۰ درصد و ۶۰ درصد پرداختند  
و در نتیجه بهای نفت هم میزان فعلی یعنی ۹ دلار و ۷۴ سنت افزایش  
یافت. من اینکار را نکردم شرکت های نفتی کردند." ( اطلاعات ۱۲

فرخنده بهاد... بقمه از صفحه ۱ مبارزات اقتصادی آن  
بعلت خیانت روزی نیستها ضعف مبارزان راه طبقه کارگر بدین  
رهبری است. طبقه کارگر ایران فاقد حزب سیاسی خویش است  
و بدین حزب سیاسی در شرایط دشوار و فرنج ایران مبارزه  
طبقه کارگر همواره خود رو است. احیا حزب طبقه کارگر با آنچنان  
حزبی کشایستکی این عنوان را داشته باشد، سر آغاز تحول کیفی  
در مبارزه طبقاتی است. از این جهت شایان اهمیت است که  
مبارزاتی که بخاطر سرنگونی رژیم شاه بطرد کامل امپریالیسم و ارتجاع  
و تامین آزادی و استقلال و رفاه و ترقی میروند در صفوف کارگران  
رخنه کنند مبارزه آنها را سازمان دهند، عناصر پیشرو و آگاه آنها  
را در کنار دیگر مبارزان راه طبقه کارگر، در سازمان سیاسی طبقه  
کارگر گرد آورند. تنها از این طریق میتوان مبارزه نیروهای انقلابی  
را جهت داد و نیروی و هم آهنگ ساخت و به پیش برد. برای  
جلب طبقه کارگر مبارزه هر چه باشد شکل این مبارزه بناگردد  
باید در صفوف آنان بود و نه اینکه بنا بر اراده خود به پیش تاخت  
به این انتظار که کارگران و زحمتکشان این خواهند آمد. رخنه  
در صفوف کارگران و دیگر زحمتکشان بویژه که اکنون در کار مبارزه با  
رژیم خونین شاه تجارب فراوانی بدست آمده میریزند و طبقه  
عناصر و نیروهای پرولتری آگاه است و باید با تمام قوا و با استفاده  
از تمام امکانات و ضمن مبارزه به آن پرداخت.

امسال هم روز اول ماه در شرایط ترو و اختناق برگزار می  
شود. شاه و رژیم او بار دیگر این روز را وسیله عواطفی و تبلیغی  
گمراه کننده قرار میدهند. پاتا "حزب" رستاخیزی ایرانی  
شاه انتظار دارد که کارگران در زمره اولین صفوفی باشند که به  
این "حزب" می پیوندند، حزبی که گویا نظیر وحدت ملی است و  
باید کار و سرمایه را با هم پیوند دهد. هم اکنون بدستور سازمان  
امنیت صحنه سازی مسخره پیوستن کارگران به این "حزب" در  
تمام واحد های تولیدی در جریان است.

این صحنه های مسخره هیچکس را و اکثر از همه کارگران را  
نمی فریبد. کینه و نفرت همگان نسبت به رژیم شاه آنچنان است  
که دیگر رهنه ها و هم حال و هم ناسبت بصورت اعتراضاتی تظاهر میکنند  
سازمان ما جشن اول ماه همراه طبقه کارگر به تظاهرات  
کشان اسارت شادمانه میکند میگرداند یک ماطفه کارگران را تظاهر  
عهد میکند و میگوید پیوند خود را با کارگران تحکیم نماید. سازمان  
ما ایقان کامل دارد که طبقه کارگر ایران حزب سیاسی خود را  
احیا خواهد کرد و با این سلاح نیروی انقلاب و موقتیک ملی را  
رهبری خواهد نمود و پایان خواهد رسانید.

فرخنده بهاد جشن اول ماه به روز همبستگی کارگران جهان!  
پهروز بهاد مبارزات طبقه کارگر ایران!  
موفق باد پیگان بخاطر احیا حزب طبقه کارگر ایران!

آبان ۵۳.  
با این ترتیب معلوم است که این لافزدن ها و قیافه پهلوان  
پنبه گرفتن ها همه بخاطر فریب افکار سوسیالیست است. بالاخره امروز  
هیچکس نمیتواند به نوکری امپریالیسم اقتدار کند و باید گاهی برای  
حفظ ظاهر در برابر ارباب خود بایستد. این بسود ارباب است  
و ارباب آنرا خوب میفهمد. سفیران و وزیری هم در برابر تهدیدات  
آمریکا مانند شاه ایران فریاد برآوردند که نفت را نیز زمین نگاه میداریم  
و شیرین میخوریم. اگر اینگونه تظاهرات در برابر ارباب امپریالیست  
نشانه مبارزه ضد امپریالیستی باشد آنگاه باید از همان کرد که  
نه لون تول دست نشاندۀ امپریالیسم است و نه تیر و اصولا در  
جهان امروز سگ زنجیری و استعمار نون منجیبی هیچ و تو خالی است.  
در نیائی که تورم در آن پیدا میکند بهای گاز تحویل بشوری  
را ۸۰ درصد افزایش دادند و تازه آتار با قیمتی برابر یک سوم بهای  
آن فروختن مبارزه با بر قدرت شوروی نیست با مکان داد و خارتنگی  
وی است.

شاه در حیلکاری و زیرک بازی سرآمد حیلگران است همه  
فوت و فن فریبکاری را میداند یا با او می آموزند. فریبکاریهای او در درون  
کشور کسی را نمی فریبد. مردم ماطی پنجاه سال تجربه در یافتن  
که شاه و خاندان فاسد و ننگینش از چه قاشی است. اما این  
عواطفی ها همراه با تبلیغات وسیعی که شاه بفرصت بین المللی  
براه انداخته است هنوز میتواند کسان با حسن نیتی را در خارج  
از کشور گمراهی بکشد.  
نیروهای موقتیک ایران در خارج از کشور بویژه کفدرال -  
سیون دانشجویان ایرانی و طبقه سنگینی بر عهده دارند آنها  
باید موازی با توسعه تبلیغات شاه در خارج با فاشکاری رژیم را با  
شدنی متناسب با اتمه این تبلیغات دنبال کنند.

حزب تمام... بقمه از صفحه ۱ وایترک زاد و بوم نیاکان  
خود. شاه مانند مو و توفان سلطت را بر سر یک دوراهی قرار میدهد  
یا باید بفرقن اصول سه گانه وضویت در حزب قلابی شه ساخته یا  
پوسیدن در زندان بکرسنگی بهیخانمانی و یا تبعید به خارج از  
کشور.

واقعتاً غم انگیزی است که رژیم امور کشور ما باید اخله  
اجانب در دست مردک زلفه وطن فروش هوسبازی افتاد است.  
در نفی او همین هر که حتی فکر ساد مای راهم قادر نیست  
بدستی بیان کند بگفته های او نرسد ارد و نه ته و بیشتر به هذیان  
میانند. زبان مادری برای او بیگانه است بحق هم دارد چون  
خد متکزار اجنبی است.

اوسپن زرخیز ما را سالهاست به حراج گذاشته و هر بخشی  
از آنرا به بیگانگان فروخته است و میفروشد با آنگاه برای پرد و کشیدن  
بر وطن فروشی خود مبارزان راه آزادی و استقلال ایران را بی وطن  
میخواند.

از روی هوسبازی یکبار و بار دیگر میگوید که ادای موقتکراسی غریب  
را در آورده به عدای میگوید اکثریت شوند و عدای نقش اقلیت بازی  
کند. پس از مدتی هوش فروبی نشینند "پیر" دیگری به سرش  
می افکند. شب میخوابد و خواب آشفته می بیند، صبح بدعت  
احمقانه ای میاورد و فلامان خانه زاد را امید دارد که به ساز تازیه  
او برزند. همین یکجا پیش بود که "کنگره" حزب ایران نون  
با کبک و بد به "فراوان" تشکیل شد، احزاب از کشورهای مختلف  
جهان و از آنجمله از کشورهای "سوسیالیستی" نمایندگانی به کنگره  
اعزام داشتند که "موفقیتهای" حزب را ستودند بخود هویدا  
از جانب "کنگره" به "میرگی" حزب انتخاب شد، رهبری "حزب"  
برای انتخابات آینده "برنامه" جامعی ریخت و از همه اعضای  
"حزب" خواست که بخاطر آن فعالیت کنند. اما شاه بناگذاشت  
این قصر کفندی را در هم ریخت. همین هویدا که "میرگی" حزب  
ایران نون "و ظاهراً از طرفی "کنگره" انتخاب شده بود به یکبار  
"میرگی" حزب رستاخیزی ملی شد. تاد بریز "حزب اقلیتی" بنام  
"مردم" وجود داشت، میان اکثریت و اقلیت مجادله های مضحکی  
روی میداد برجز خوانیهای صورت میگرفت. "یک عدای از شعا  
که گفتم مومن هم هستید یا شاید به تشویق خود ما در واقع رل  
اقلیت وفاداری را بازی میکردید بما ز ی کردن رل اقلیت وفادار  
در این سلطت خیلی مشکل است که اینک ما دیدیم که یک د "میرگی"  
مثلا حزب مردم تا بحال نتوانست با اقلیت بکند یا اینکه رل خود  
را بازی بکند؛ برای اینکه این رل قابل بازی کردن نیست. اما  
شاه از این خیمه شب بازی اقلیت و اکثریت حوصله اش سر آمد،  
اینست که امروز اقلیت و اکثریت را در سلک حزب واحدی دربی -  
آورد. البته "احزاب" که بنا بر هویدا و هوس شاه ظاهر میشوند  
و چیزی جز نام ندارند از امروز فردا از روی هوسبازی نمیتوانند فصل  
اعلام شوند. تاد بریز وجود سیستم دو حزبی نشانه "موقتکراسی"  
بود در درون کشوری که از آن کترین هویدا موقتکراسی بهشامعیر  
امروز وجود حزب واحد نشانه "وحدت ملی" است. شگفتنا در کشور  
مانند ایران که تمایز طبقاتی و اختلافی منافع طبقاتی به حد اعلا  
خود رسیده است گویا کافی است مردم را بچیر در حزب واحدی  
جای داد برای آنکه "وحدت ملی" مینماید. چنین افکار نامعقول  
فقط از مغز طبل ووسیدۀ "شاهنشاه" میتوان بیرون آید.

با کدی جدید "حزب واحد" که بهاد است شاه هر روزی صحنه  
آمد و هیچ تغییری در ااراه امور کشور می نیهد چون شاه  
همچنان فرمانروای خود کامعباتی میماند. تنها نتیجهای که از  
آن حاصل میاید اینست که تضاد میان گروه ها و افراد طبقه  
حاکمه و نیز تضاد میان خلقهای ایران رژیم شاه را تشدید خواهد  
کرد.

از «آلبانی امروز»

"خلق ها، بویژه خلق های کوچک در معرض خطر بزرگی  
قرار میگیرند چنانچه امید به بندند که یکی از دو بر قدرت امپریا -  
لیست ممکن است آنها را تحت "حمایت" خود بگیرد. این  
"حمایت" که به آنها عرضه میشود در واقع چیزی جز درآمد ن  
این خلق ها در زیره مناطقی نفوذ یکی از این دو بر قدرت،  
در آمدن آنها تحت انقیاد و استثمار آنها نیست."

يك نيزنگ ... به پيغام صفحه ۴

دوستی نیروی حاکم است. قابلیت دفاع امنیت آنهاست. بر قدرت صنعتی مجبوره اردوی سوسیالیستی باشد. هر کشور اروپائی دموکراتی می تواند در زمینه رشد آن شعب صنعتی و تولید آن نحی تخصصی که برای آن واجد هفت ماستطریقی و اقتصادی مساعد است ...

(تکیه از ما است - توفان)

این سیاست شوروی در بیست سال گذشته طی مراحل چند جا عمل پوشید و امروز کشورهای سوسیالیستی مگر هم ادغام شدن بصورت مجبوره واحدی در آمد کند آن تمام تسه های گرد شرحهای اقتصاد آن در دست امپریالیسم شوروی است و واقع کشورهای سوسیالیستی بصورت زانده هائی از اقتصاد شوروی در آمده اند .

اتحاد شوروی قبل از هر چیز مابین امر بر اخت که مواد اولیه و مواد خام صنایع تخصص یافته این کشورها را در دست خود متمرکز سازد . در آغاز کشورهای دموکراسی بود مابین آن بودند که این مواد را از صنایع مختلف دست آوردند تا در ادوایستی نیفتند با ما شوروی بتدریج آنها را از اینکار باز داشت و خود را بصورت یگانه یا تقریباً یگانه صنایع حاصل مواد خام و اولیه را از صنایع آنها برداشت . اکنون صنایع سوخت و انرژی ایمن کشورهای کمبود و آنها جز خرابی کارخانهها از گرد شویافتند تقریباً در دست اتحاد شوروی است . لوله نفتی مریخی مریخی نفت و گاز را برای اتحاد شوروی به ارمنستان می آورند ولی شیر این لوله ها در اتحاد شوروی است کلمات مریخی مریخی چه کلمات گوشه نواز است ! امپریالیسم شوروی از این کلمات و اصطلاحات زیاد بکار میبرد ولی در پشت آنها فقرات ثروت و دسترنج خلق ها را در رفتن آزادی و استقلال آنها نهفته است .

بنا به نوشته روزنامه ایزوستیا (۲۳ نوامبر ۱۹۶۸) اتحاد شوروی نیازمند بهای اقتصاد چکوسلوواکی را در زمینه نفت بطور کامل تامین میکند . بنا به نوشته روزنامه همراگان حزب کمونیست آلمان غربی ۹۰ درصد نفت آلمان شرقی (۱۵ میلیون تن) از اتحاد شوروی است . به علاوه آلمان شرقی از اتحاد شوروی ۳/۳ میلیارد متر مکعب گاز ۴ میلیون تن فرآورده های آهنی ۲/۴ میلیون تن زغال سنگ ۸۴/۲ میلیون تن سنگهای آهن و سنگز و کربن ۸۰ هزار تن پنجه ۲/۶ میلیون متر مکعب چوب و ... وارد میکند . بدین این مواد صنایع آلمان شرقی از گرد شوی او فتد .

مجارستان بارای صنایع نفت است و میتواند نیازمند بهای خود را با استخراج آن تامین کند با ما بزرگم شوروی با کاپیاس سرمایه گذاری در این رشته بهدرد این سرمایه است چون اتحاد شوروی میتواند نفت و گاز مورد نیاز مجارستان را به او برساند و بهتر است که مجارستان در چارچوب متری تخصصی تولیدات دیگری برود از در نتیجه مجارستان مجبور است نفت و گاز را از اتحاد شوروی به قیمت هنگفتی خریداری کند . مواد خام اولیه نیز مانند پنجه بکود فسفات و بقال سنگز چوب سنگهای آهن و سنگز کربن مشتقات نفتی آهن فولاد و غیره و غیره مشمول همین قاعده است . بطوری که مجله مجاری همبرجدید (مهر ۱۹۶۷ شماره ۱) در پنجاه سال اخیر ۱۰ درصد مواد خام مجارستان از شوروی تامین میشود . برای برخی از کالاها (نفت سوخت دیزل سنگ آهن آهن خام چوب برای صنایع کاغذ سازی) اتحاد شوروی ۱۰ تا ۱۰۰ درصد نیازمند بهای ما را تامین میکند .

در درون شورای تعاون اقتصادی نفتها مواد خام و اولیه صنایع در دست امپریالیسم شوروی است بلکه گردش تجارت خارجی این کشورها نیز پیوسته بصورت شوروی و بزبان دیگر کشورهای برادر است و به سخن دیگر اتحاد شوروی تجارت خارجی این کشورها را همواره بیشتر بخود اختصاص میدهد . اینک چند رقم :

واردات لهستان	از شوروی	از چکوسلوواکی	از آلمان دموکراتیک
نسبت به مجموع	۱۹۵۰	۱۳/۲ درصد	۱۱/۵ درصد
تجارت خارجی آن	۱۹۶۸	۳۵/۴	۸
ارقام صادرات لهستان به این کشورها نیز در همین جهت سیر میکند .			
واردات مجارستان	۱۹۶۷	۱۹۷۰	
از شوروی (همان نسبت)	۱۳/۱ درصد	۳۶ درصد	
واردات بلغارستان	۱۹۵۶	۱۹۶۸	
از شوروی (همان نسبت)	۳۳ درصد	۵۲ درصد	

بلغارستان در ۱۹۵۶ تقریباً پنجم تراکوره های خود را از اتحاد شوروی وارد میکرد و بقیه را از چکوسلوواکی برروانی و آلمان دموکراتیک در ۱۹۶۸ تقریباً صد درصد تراکوره های وارداتی از اتحاد شوروی است .

واردات سوخت دیزل بلغارستان از اتحاد شوروی از ۱۹۰۰ تن (در ۱۹۵۶) به ۴۰۹۰۰۰ تن (در ۱۹۶۸) افزایش یافت . طی همین مدت واردات از برروانی از ۱۳۹۰۰۰ تن به ۲۷۰۰۰۰ تن کاهش یافت .

بلغارستان در ۱۹۵۶ چهارده هزار ساعت از شوروی میخرد و ۴۱۰۰۰ از آلمان دموکراتیک در ۱۹۶۸ خرید از شوروی به ۶۶۱۰۰۰ عدد بالغ گردید و سهم آلمان دموکراتیک تا ۶۰۰ عدد کاهش یافت .

این ارقام و ارقام فراوان دیگر نشان میدهند که روابط اقتصادی میان کشورهای شورای تعاون اقتصادی همیشه یکجانبه متوجه اتحاد شوروی است . اتحاد شوروی در جمع کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی مانند کشورهای سرمایه داری امپریالیستی عمل میکند و در ادواری آنست که برادران رقیب را از بازار این کشورها براند و محصولات خود را بجای محصولات مشابه این کشورها بفروش رساند . آنجا که صنایع شوروی ایجاب میکند کشور برادر رقیب اقتصادی بدل میشود که باید بهر وسیله ای اوراق میدان بسدر کرد . از امپریالیسم شوروی جز این هم انتظار بیهود مای است .

امپریالیست های ... به پيغام صفحه ۴ دست به تحریر زدند زمانی که آنها به پاکستان حمله بردند و غیره سکون بر ما چرا چو سی و ست بزرگ همه گذشت و علاوه بر این اسلحه و پول در اختیار او قرار داد . زمانی که افکار عمومی بین الطلی الحاق سیکم را محکوم نمود ، سوسیال امپریالیسم شوروی به پیشوا زاینده برآگاندی رفت . خبرگزاری تاس به مقاومت خلق سیکم بعنوان مانعی که باید آنرا از سر راه برداشت اشاره کرد . بر سر مسئله کمیسر سوسیال امپریالیستی شوروی از اجتماع هند بوضوح پشتیبانی نمود مانند «خبر» شریف در زمان خود اعلام کرد که کمیسر جز اتحاد هند وستان بود و تمام کمیسر هند تعلق دارد . جانشینان او برزف و هند ستان نش همان راه را ادامه میدهند .

گرچه کجود پشتیبانی خود را از سیاست هند اعلام کرد و برای آنی سرود تمجید خواند . این نمونه دیگری است از وقاحت تجاوزکاران امپریالیسم روس بخاطر دست یافتن به مقاصد تجاوزکارانه خود که حتی از استعمار از شیطان هم روی گردان نیستند . اما بنویسید فقط خود را بیشتر افشا می نمایند . سیستم امنیت جمعی آسیانیز بهتابه دمی که برزف برای خلقهای آسیا تهیه دیده است آنها را برای مقاصد هزارانانه و سیادت طلبانه خود مورد استفاده قرار دهد و افشا میشود .

و تابع کمیسر مانند و تابع خاورمیانه بقرس و نظائر آنها همه مجدداً گواه برآنند که سوسیال امپریالیستهای شوروی مانند امپریالیستهای آمریکا خصوصیت های کمینرا زنده میکنند تا موجب تضاد مابین خلقها گردید و آنها را تضعیف نموده و تحت قیومیت خود در آورند . خلق کمیسر خود حاکم بر سر نوشتش میباشد

### بیمه

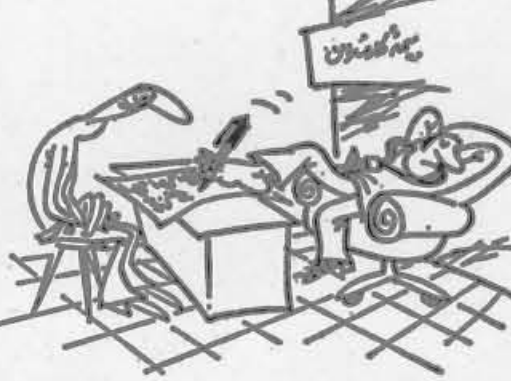
## کمندی درام بیمه

لطفاً هنگام خواندن این مطلب چندبار زار زار گریه کنید!

\*\*\*

من تا وقتی بیمه نشده بودم حتی کمندی درام را بدستی نمیدانستم ... خیال میکردم و جوری وسوسا و چارلی چاپلین الکی اسم در کشیدند پیش خودم میگفتم مگه بیمه منتهایم چندبار پلنه هم گرفتار ۱ و استقلال میکردم که آدم یا کاره یا مسجون .. هم کار و هم مسجون که نیست ... اما از وقتی بیمه شدم فهمیدم که ای دل غافل سالها در خواب غفلت بودم بیمه یعنی همین دیگه ...

چریان را از وقتی درام کردم که وارد مطب پزشک شدم ۳۷ نفر قبل از من آمده و نشسته بودند ... ۵۰ تا ۵۰ تومن چند دقیقه ای نبود حساب کتیب هرچی میخواهد بده ... ما که بخیل نیستیم ... هم اینه که آقای دکتر اولش وقت داشتند بنده را ببینند ... بگذارید چریان را درست تعرف کنم وارد که شدم سگری ترگل و در گسل دکتر که از لحن صحبتان معلوم میشد با دکتر خیلی فردا شتر از زن و شوهرند پرسیدند بیمه هستید ؟ من نادانم از خبرهای روزنامه ها از رفته بودم با انگار گفتم به طرف (صاحب مطب) دختر قلمه سفید را عرض میکنم چنان با دلسوزی فرمودند مطالبه آقای



دکتر وقت ندارد که من کردم یکتر یک پس گردنی محکم خوابود پس کلام!

گفتم بنده را وقت ندارد ببینند یا هیچ مریضی را نمی بینند ... فرمودند آقای دکتر مریض بیمه نمی بینند گفتم مگه بیمه چرا بگردد اسم ایشان جزء پوشکان بیمه هست ... فرمودند عرض کردم که مریض بیمه نمی بیند ... پرسیدم و زورت ایشان چند است ؟ گفتم از گل خانم سگری شکست و با خوشحالی فرمودند ۵۰ تومن ... و اضافه کردند با تعیین وقت قبلی ۲۰ تومن در خانه خیلی آهسته و پویانگی گفتم مریض ... چندم چاره ای نیست تحمل درد و ناراحتی را ندارم گفتم چنتا ۷۰ تومن انگار میگفتم دو تا آبدو خوردم و دو تا سیخ کباب گوینده ۱ ۷۰ تومن را دادم و چند لحظه بعد در میان اعتراض و تاله و ناز و بیعت و حیرت مریضهای حاضر دکتر که وقت داشت سرش را بشاراند با سالم و صلوات بنده را پذیرفت .

پس از معاینه گفتم آقای دکتر شما که حق خودتان را گرفتید نشه را روی دخترچه بیمه بنویسید که پول گتری بدهم ... چون مسئله برای فرقی نمیکرد با صحبت گفتم ای بیمه و نشه را نوشت ... اولین داروخانه ای که نشه بیمه میبویسد آنجان شوخ بود که تصور کردم زمان جنگ است و نمیتواند بدهد و داخل نشه خارج شدم ! دومین داروخانه داروخانه ای که دکتر نوشته بود نشه دومین داروخانه نشه بیمه نمیبویسد ... چهارمی چنان با حشرات نگاه کرد که خجالت گفتم از اینکه بیمه شدم و پنجمی فقط نصف داروها را داشت گفتم همان را بدهید و پول همان را بگیرد قبول نکرد گفتم نصفش را خط بزنید گفت دخترچه بیمه مثل دست چک است مگر میشود در آن دست برد گفتم پس چاره چیست؟ گفت باید بپرید خود دکتر آرا اصلاح کند .

داروخانه ششمی ... همین جواب را داد هفتی و هفتی و نهی و نهی ... ساعت ۱۱ شب بود که خسته و کوفته و بدون گرفتن دارو بمنزل میرفتم و ضمن صحبتان شدید از یادآوری آنچه برایم پیش آمده بود شرمش میشدیم و در آن لحظات بحرانی بود که فهمیدم کمندی درام یعنی چه و چطور نمکست کسی هم دلتش خون باشد و هم غش غش بشند !

کیهان ۱۲ دی ۱۳۵۳

فقط اوست که حق دارد در مورد مسائل خود تصمیم بگیرد . سیاحت تجاوزگرانه هند برانگیزند و خشم در کمیسر و بین افکار عمومی بین الطلی گردید ما ست که ما جراحی مقامات د ملی و پشتیبانان اثر را بشدت محکوم میکنند . در پاکستان نیز نظارها مستعد د بی وقوع پیوست بگردد آنها خلق پاکستان از خلق کمیسر و از حق وی بر تعیین سر نوشت پشتیبانی کردند .

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

# شاه تبلیغات خود را توسعه میدهد، پیش از پیش او را افشا کنیم

## يك نيرونك نواستعماری «تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار»

اگر اتحاد شوروی یا تحمیل تقسیم بین المللی کار به کشورهای کمزیر آنها را بفرماند مای از اقتصاد خود تبهیل میکند ، با تئوری تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار کشورهای باصطلاح سوسیالیستی را به تابعیت اقتصادی و در نتیجه به تابعیت سیاسی و نظامی خود در می آید در این جهانیز کشورهای «سوسیالیستی» هرگز اچسائل و نیروهای مادی و اقتصادی خود را در آن شعی نگار میانه از نه کبری آنها ضاهد ترین شیط و نیز تجربه تولید و نیروهای تخصصی را در اختیار میباشند .

البته در میان کشورهای «سوسیالیستی» برخی مانند آلمان و سوئد و سوئیس و چکوسلواکی و مجارستان کشورهای صنعتی اند و نمیتوان آنها را مانند مغولستان و بلغارستان به تولید کنندگان مواد خام و مواد اولیه تبدیل کرد . اما صحبت اساسی بر سر اینست که امریالیسم روسیه میتواند با تدهیروسوسیالیستی شریانیهای حیاتی این کشورها را در دست خود گیرد و آنها را مانند هرامریالیسم دیگر به غارت ثروت و دسترنج خلق آنها به برد ازیب با استقلال و آزادی برآورد آنها برآید . تئوری تقسیم سوسیالیستی بین المللی کار «هم آهنگ ساختن» اقتصاد و تخصص یافتن» در تولید محصول معین در خدمت چنین سیاستی است .

تخصص یافتن» یعنی سوق دادن اقتصاد بطور عمده به تولیدات کشاورزی یا به شعب معینی از صنایع یا حتی به تولید کالا های صنعتی از نوع معین ، تخصص یافتن کشورها از رشد همه جانبه اقتصاد ملی باز می آید و آنها را وابسته به دیگران میسازد . البته این امر شامل حال اتحاد شوروی نمیشود . اتحاد شوروی به علت وسعت کشور منابع عظیم زیرزمینی نیروی انسانی فراوان و نیز عین ملت که هم اکنون کشور بزرگ صنعتی است قادر است اقتصاد خود را همه جانبه و در کلیه زمینههای اقتصادی رشد دهد . بحیثیت دیگر فقط اتحاد شوروی میتواند اقتصاد خود را آنچنان تکامل بخشد که از لحاظ اقتصادی حاکم بر سرنوشت خود باشد کشورهای «سوسیالیستی» دیگر فاقد خصوصیات فوق الذکر اند و لذا رشد همه جانبه اقتصاد آنها امکان پذیر نخواهد بود . مجله «کمونیست ارگان تئوریک حزب کمونیست» اتحاد شوروی در شماره (۱۱۵۱) نوشت : «این شعب (توسیل سازی تراکتور سازی تلوکوموتیوسازی و غیره - توظف) دهری است که راتحاد شوروی و برخی کشورهای برادر دیگر ایجاد شد مانند و این کشورها میتوانند احتیاجات تمام اردوی سوسیالیستی را بر آورند . . . گرایش به حاکمیت اقتصادی بر اقتصاد کشورهای دیگر اساسی بود مای تا «تئوریسیار ضعیفی میگردد . برعکس بر اقتصاد شوروی تا تئوریتیه ناچیزی در «. بی بینید گفتی سندن مصر حاکم شد» رشد همه جانبه اقتصاد ملی و استقلال اقتصاد و تحمیل حاکمیت اقتصاد را در کشورها میکند و بر آنست که این اندیشه بر اقتصاد کشور تاثیر بسیار منفی میگردد .

بنابراین کشورهای باید به تولید آن محصولات بیبرد از نه کما اتحاد شوروی تولید نمیکند میات تولید آن فعلا کفاف نیازند بهای کشورهای «برادر» را نصیب دهد و با بالا بردن تولید آن کالا های بیبرد از نه کشور نیاز اتحاد شوروی است . بهبود نیست کمال گشته هنگا مسافرتی به کشورهای مجارستان امیردیضی به سکووفد اگر بهایالیافسکی و نیز کشاورزی شوروی این نتیجه حاصل آمد که مجارستان باید در آینده مواد غذائی بیشتری به اتحاد شوروی تحویل دهد و بنا بر این مجارستان باید از این پس برنامه کشاورزی و صنایع غذائی خود را در ارتباط با احتیاجات شوروی رشد دهد .

تئوری «تخصص» در تولید با تئوری «هم آهنگ ساختن» اقتصاد تکلیف میشود که سرانجام بهادغام (انترگرسیون) کشورهای «سوسیالیستی» در یک مجموعه» واحد می انجامد که «شورای تعاون اقتصادی» مظهر آن است .

کرچه «شورای تعاون اقتصادی» در ۱۹۴۹ تا «سیرگردید ولی شوروی بعداً سیاست نواستعماری خود را نسبت به آن درنگرد» میسازد بیستم حزب کمونیست» اتحاد شوروی بنیاد نهاد . خورشید در گزارشی خود به این تکرر میگوید :  
«مرور یک روز نیست که هر کشور سوسیالیستی ضرورت همه شعب صنایع سنگین را رشد دهد . . .»

بقیه در صفحه ۳

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا !

یکی از سگهای زنجیری امپریالیسم آمریکا در زیر ضربات کوبنده خلق فرار را برقرار ترجیح داد . لون نول این خدمتگزار امپریالیسم آمریکا که پنج سال پیش زمام امور کامیون راد در دست گرفت ، اکنون که نیروهای مسلح خلق با پیگار قهرمانانه خود دروازه های پایتخت را میکشاید ، برای آنکه به چنگ عدالت خلق گرفتار نیاید ناگهان کامیون را با یک هواپیمای آمریکائی ترک گفت تا بقیه زندگی نشکین خود را در حمایت آمریکا به پایان رساند امپریالیسم آمریکا ، این پشتیبان لجوج و سرسخت نیروهای سیاه از نجاتی در سر اسرج جهان نتواند آخرین لحظه کوشید لون نول را در مقام نوکری نگاه دارد ، تا آخرین لحظه از تک نظامی با و بر سرای جلوه گری از نیروی خلق مسلح خود در آری نوزید . ولی در برابر نیروی خلق ، نیروی که مصمانه تانبل به پیروزی از ایثار جان خود نیز در رخ ندارد ، هیچ نیروی حتی ابر قدرت آمریکا قدرت ایستادگی ندارد . سی سال جنگ بود مای خلقهای قهرمان هند و چین در آل بر این حقیقت است .

امپریالیسم آمریکا اکنون با بحران اقتصادی و مالی و خمی دست بگریبان است ، بحرانی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم نظیر نداشته است . تضاد های اقتصادی و سیاسی بزرگی آنرا از درون میخورد . بد نبال ماجرای کیف و انترکت اکنون تاریخچه توطئه ها و سیاه کاریهای «سیا» یکی پس از دیگری برملا میشود و نفرت همگان را بر می انگیزد . این استعمارگر بزرگ جهان در خارج از مرزهای خود با مبارزه خلق های انقلابی با خاطر آزادی و استقلال و رفاه و ترقی و پیشاپیش آنها خلق های قهرمان هند و چین رو بروست : تضاد ها بسیاری برادر برآورد دیگر کشورهای امپریالیستی و ویژه سوسیال - امپریالیسم شوروی قرار می دهد . انحطاط و رسیدگی از سر تا پای این بزرگترین و نیرومندترین جامعه سرمایه داری جهانی میترود . معذک این زمانه درم جهانی ، این غارتگر بزرگ از تسلای با خاطر استیلاي خود بر جهان با زنی ایستد ، تمام سیاست و دیپلما آن بر محور سیاست جهانی میگردد . از تمام شیوه های کهنه و نوین استعماری برای استقرار سلطه جهانی خود مدد میگیرد و با استقا از درگترین نیکسین جنبش انقلابی خلق ها را با دست زمامت اران مزد و معنی و کمک نظامی و تسلیحاتی با آنها سرکوب میکند و آنجا که درگترین نیکسین ناتوان از آب در آید با نیروی نظامی خود بعد اخله مستقیم می برد از . چنین است استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا و جز این نمیتواند بود . چون ثروت انحصارهای امپریالیستی آمریکائی و نظام امپریالیسم آمریکا در نیای گونی ، همه شوره خون و مرقی طبقة کارگر و دیگر محنت کشان آمریکا و حاصل غارت ثروت و دسترنج ده ها صدها میلیون کارگر و محنت کش جهان است . و از امپریالیسم آمریکا شرادف با اسارت فقر و محرومیت خلقها است ، خلقهایی که اکنون مصمانه بیخ اسارت و عقب ماندگی را از گردن خویش بردارند .

امپریالیسم آمریکا بدون توجه به درگونیهای معینی که در جهان بوجود آورده است هنوز هم با زبان زور سخن میگوید کشورهای را که در برابر مقاصد و مطامع آن می ایستند به تجاوز و اخله نظامی تهدید میکند . پشتوانه او در این تهدیدات نیروی عظیم اقتصادی و نظامی او است . بهبود نیست که همه ساله برودجه نظامی آمریکا افزوده میشود بهبود نیست که دستگا های وسیع در این کشور برای تکمیل تسلیحات موجود و ویژه سلاح های هسته ای و حامل آنها برای افزایش نیروی نظامی برای یافتن سلاحهای مخرب جدید دست بکارند بهبود نیست که امسال بودجه نظامی آمریکا به رقم نجومی یکصد میلیارد دلار رسیده است .

اختصاص یکصد میلیارد دلار بیشتر به مخارج نظامی و سوق دادن اقتصاد کشور در جهت تولید ات نظامی بهترین بحران آنرا را نشاندید خواهد کرد ، بر ترمیم خواهد افزود . اما امپریالیسم آمریکا اگر بزی نیست چون در تحقق استراتژی جهانی خود باید در مساهلهای تسلیحاتی کفیان او سوسیال امپریالیسم شوروی مدعی دیگر سیادت جهانی بدرگرفته تفرق خود را حفظ کند . ولی این تفرق و سیادت طلایی از جانب هر یک از و ابر قدرت که باشد از نیروی خلقها جلوه گری نخواهد کرد . نمونه خلقهای قهرمان هند و چین در برابر ما است .

## امپریالیست های شوروی بر انگیزنده سیاست توسعه طلبانه هند

وقایع بنگال درش گواهد بگیری است بر سیاست الحاق طلبی هند نسبت به يك کشور دیگر . واقعیت اینست که توافقات با شیخ عبدالله چیزی جز يك مضحکه بازرایند برآکاندی نیست ، کما می خواهد اشغال و الحاق کشیر را مستحکم بخشید و سعی می نماید آنرا بعنوان توافق «اولطلبانه» کشیر با هند بنمایاند . دولت هند کشیر را همیشه بعنوان جزئی از هند وستان میدانست اماست سال گذشته موقعیکه الحاق سیکیم علی گردید بوزیر امور خارجه هند سینگ در مجلس خود سؤال قرار گرفت که چگونه باید مسئله جامو و کشیر را حل کرد . سینگ فوراً و بطور رسمی جواب داد : «که در این مورد چیزی برای گفتن نیست زیرا که جامو و کشیر جز تفکیک ناپذیر هند میباشد .

با وجود تمام این اعمال راهز نانه که نقض آشکار حقوق بین المللی است سوسیال امپریالیست های شوروی به تحریک و پشتیبانی از ارتجاع هندی پرداختند . و این قابل درک است . سوسیال - امپریالیست های شوروی در کوشش خود با خاطر توسعه نفوذ در آسیا و رقابت سخت با امپریالیسم آمریکا در کوشش با خاطر عسلی نمودن سیاست سیادت طلبانه خود از طریق باصطلاح «امنیت جمعی آسیا»

تکیه گاه همی در ارتجاع هند سراغ کرد فاند . با خاطر از دست ندادن این تکیه گاه در دست برزف از جاه طلبی و ماجراجویی ارتجاع هند پشتیبانی میکنند . ارتجاع هند اسلحه های بسیاری از سوکوریا فت داشته است . تا بحال مقدار کم اسلحه قریب دو میلیارد دلار بالغ میشود . در اثر کمک امپریالیست های روس ارتجاع هند هواپیما های میک ، تجهیزات مختلف و اسلحه هم میسازد . بها کک آنها موفق بانجام آزمایش اتی گردید . دراز این ککها مقامات دلی دروازه های هند را بر روی سرمایه داران روسی باز نمودند تا آنها بتوانند منابع طبیعی این کشور را بدون مانع بتاراج برند بجائی که تعداد گدایان ، بی خانمانان ، گرسنگان و انسانهای در حال مرگ در خیابانها از فشارش بیرون است .

زمانی که ارتجاعیون دلی علیه چین بقیه در صفحه ۳

چند روز پیش دولت هند قرارداد ای با شیخ عبدالله که خود را رهبر کشیر میداند امضا نمود . در این قرارداد شیخ عبدالله پس از تأیید انصراف خود از آرمی عسوی پیرامون سرنوشت کشیر بعنوان صدراعظم کشیر اعلام کردید . این عمل گواهانست که مقامات دولتی دلی سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود را کامکان ادامه میدهند .

مسئله کشیر از زمانی که هند وستان بریتانیا در سال ۱۹۴۷ به هند واکستان تقسیم گردید بوجود آمد با امپریالیسم این مسئله را بوجود آورد تا بدین طریق بتواند با خاطر تانین منافع امپریالیستی خود از آن بعنوان دستکی بین هند واکستان استقا کند و بین این کشورها تصادفی بوجود آورد . پس از تذکرات بسیار در سال ۱۹۵۳ قرارداد هند واکستان منعقد شد که طبق آن مسئله کشیر میبایست ظا هرا بر مبنای خواسته های خلق کشیر حل گردد . طبق این قرارداد میبایست مسئله فوق با اخذ آراء عسوی خلق کشیر پیرامون حق تعیین سرنوشت خود حل شود . اما تمام این قرارداد ها و توافقات روی گلف ماند ، و ارتجاع هند سیاست توسعه طلبی و تجاوز خود را ادامه داد و مکرر بطور سیستماتیزه دست به اعمال آشکاری زد کشیر را اشغال نمود ، سپس تجاوز معروف راطیه جمهوری بود مای چین انجام داد . چند سال پیش به پاکستان هجوم برد . سال پیش با زور اسلحه کشیر شاهنشاهی سیکیم را مانند بوتان ضمیمه هند کرد .

تکرر آمریکا با هرگونه کمک بطلون نول مخالفت ورزید زیرا هیچگونه کمک دیگری از نیست این عروسکیهای خیمه شب بازی را بر سر کار نگاه دارد . پیروزی خلقهای کامیون و بیت نام محتوم است اینست که دولت آمریکا لون نول ، این خدمتگزار وفا ی خود را فد امر کند و مستحلامین سیاست را در مورد تبهیل نخواهد برد تا شاید از طریق مذاکره و تشکیل دولت ائتلافی جای پائی در این کشورها برای خود باقی گذارد .

امپریالیسم آمریکا مانند رقیب سوسیال امپریالیست خود محکوم بنا بودی است و این حکم محکمه تاریخ را خلق های انقلابی جهان به مرحله اجرا خواهند گذاشت .

## خلق های هند و چین امپریالیسم آمریکا و عمال آنرا بدریا خواهند ریخت !